

مقدمه

در چند سال اخیر، مهم ترین مسئله جهان اسلام، چالش سنت و مدرنیته بوده است، که در ایران از نهضت ناتمام مشروطیت آغاز گشت. به طور کلی، در جهان عربی اسلامی پس از حمله ناپلئون به مصر در 1798م نخستین روزنه های آشنایی مستقیم جهان عرب و اسلام با اندیشه های غربی گشوده شد. البته قبل از آن، کوششهایی برای آشنایی با جهان غرب صورت گرفته بود، اما به گفته حمید عنایت، «هیچ یک از آن تلاشها، به اندازه حمله ناپلئون در بیدار کردن غرور ملی و آرزوهای پیشرفت در میان قومی عرب زبان، کارگر نیفتاد».[1] از این زمان، تقابل فرهنگ اسلامی- عربی با فرهنگ اروپایی و غربی شکل گرفت و مسلمانان درگیر مسائلی شدند که فرهنگ مسلمانان را دستخوش دگرگونی و چالشی عظیم ساخت. نیز مسئله هایی (problems) برای متفکران ایجاد شد که گریز و گزیری از حل آنها نبود؛ زیرا این مسائل با هویت و فرهنگ و باورهای مسلمانان ارتباط داشت و گذشتن از آنها امکان پذیر نبود.

پرابلماتیک، (problematic) هنگامی رخ می دهد که حوادث و پدیده هایی پیش آیند که از حد معمول خارج، و چنان تکرار شوند که خود را بر انسان و جامعه انسانی تحمیل کرده، به واقعیت (fact) عینی زندگی تبدیل گردند. [2] مسئله ها، تفکر رایج جامعه را به چالش می گیرند و سعی دارند بر آن غالب شوند. مهم ترین چالش غرب با جهان اسلام، مدرنیته و محصولات فکری اش بود که بر اثر آن، مسلمانان به وضوح دریافتند که دنیای غرب از آنان پیشی گرفته است و آنان از قافله تمدن عقب مانده اند. پس از این، متفکران مسلمان به چاره جویی برخاستند، و در این میان، جنبشهایی شکل گرفت؛ از جمله: نهضت ناتمام مشروطیت در ایران، نوزایش و رنسانس (النهضة) در جهان عرب [3]

مسئله علمی، که بیشتر بر اثر چالش یک تمدن و جامعه با تمدن و جامعه ای دیگر صورت می گیرد، و مهم ترین بخش هر پژوهشی است. پژوهشگر با توجه به مسئله و مشکلی که وجود دارد، به جست و جو برای پاسخ آن می پردازد. مسئله علمی، راهنمای محقق در طول پژوهش است. محدود کردن حوزه مطالعاتی و پژوهشی، با توجه به نوع پرسشی است که بر مبنای مسئله علمی طرح شده است. «مسئله علمی»، مرزهای زمانی و مکانی و موضوعی تحقیق را مشخص می سازد. همچنین نشان می دهد که به چه موضوعات یا مباحثی باید، یا نباید، پرداخت. به عبارت دیگر، مسئله علمی نشان می دهد که محقق به دنبال کشف کدام ارتباط میان پدیده هاست و چه چیزی نقطه تمرکز تحقیق است.

مسئله علمی در قالب پرسش، که «پرسش اصلی» نام دارد، طرح می شود. از این رو، راهنمای مباحث و مسیر آینده کار تحقیق را نیز ترسیم می کند، و محقق می داند که به دنبال پاسخ به چه پرسشی است. [4] علاوه بر آن،

خواننده تحقیق در همان ابتدای تحقیق متوجه می شود که پژوهشگر چه دغدغه و مسئله ای دارد و در پی پاسخ به کدام «پرسش اصلی» است.

تفاوت پرسش با مسئله

دانش واژه «مسئله» (problem) و «پرسش» (question) به اعتبار بحثهای روش شناسی از همدیگر متمایز می شوند. مسئله علمی قبل از فرضیه سازی مطرح می گردد. فرضیه زمانی می تواند امکان بروز و ظهور یابد که قبل از آن، ذهن پژوهشگر مصروف مسئله ای شده باشد. به دیگر سخن، محقق دغدغه علمی درباره موضوع خاصی را در ذهن داشته باشد. طبیعی است که این مسئله و دغدغه باید در جایی خود را بنمایاند و آن گاه در پرتو فرضیه، خودنمایی کند. البته مسئله علمی برای اینکه قابل تشخیص باشد، باید در قالب «پرسش اصلی» طرح گردد، تا در پی آن، محقق بتواند احتمالات موجود برای پاسخ به پرسش اصلی را در فرضیه خود بازخوانی کند. جمله «این چیست؟»، «مسئله علمی» نام ندارد، بلکه به آن «پرسش» (question) گفته می شود. پرسش، عبارت است از گفتن «این چه هست؟ (What is this?)» و «آن چه هست؟» (What is that). این هنر چیست؟ دنیا چیست؟ اینها همه در شمار پرسش اند؛ زیرا علاوه بر اینکه پاسخ به آنها جنبه وصفی خواهد داشت، یک «چیست» در پایان آنها افزوده شده است. بنا بر این، این گونه پرسشها نمی توانند مسئله علمی قلمداد شوند. برخی روشهای تحقیق، با این «چیست»ها سر و کار دارند و ممکن است در چارچوب شناختن ظاهر شوند. از این رو، به دنبال شناختن ماهیت هستند. ماهیتهای نیز همیشه در شکل «چیست» ظاهر می شوند؛ اما در فرضیه سازی، که در پی مسئله علمی و دغدغه نمایان می شود، همیشه با مسئله (problem) سرو کار داریم. تا مسئله پیدا نشده باشد، به دنبال گشودن آن نمی روند. به همین دلیل، گشودن مسئله، به آزمون فرضیه، بستگی ای تام و تمام دارد. [5]

در اینجا، مراد از مسئله علمی، پرسشی است که نیازمند فرضیه است. در واقع، فرضیه به دنبال آن می آید؛ و در هر پژوهش علمی، همین گونه است. شاید بتوان گفت پرسش از ماهیت، تنها توصیف را به دنبال دارد. بنا بر این، نیازمند فرضیه نخواهد بود؛ زیرا صرف توصیف، پاسخ آن پرسش است، نه چیز دیگر. مسئله ای وجود ندارد تا محقق به دنبال رازگشایی آن باشد. پس در اینجا از هر دو دانش واژه استفاده می شود، اما باید به خاطر داشت که مراد، پرسشی نیازمند فرضیه است. مثلاً پرسش از نسبت دین با مفاهیمی مانند اخلاق و دموکراسی، در دایره مسئله علمی قرار می گیرد و نیازمند فرضیه سازی است. در اینجا، از نسبتی که با دین و جامعه دینی برقرار می کند، پرسش شده است، نه از ماهیت و چیستی مفهوم. از این رو، نیازمند تأملات و پاسخهایی ویژه است.

مفهوم مسئله علمی

از مسئله علمی، برداشتهایی گوناگون شده است. در یک برداشت، «مسئله علمی» پرسشی دانسته شده است که برای محقق در رابطه با موضوع تحقیق مطرح است. این پرسش، بر اساس فهم و تجارب پژوهشگر، مشورت با صاحب نظران و بررسی ادبیات موجود طرح می شود.

در برداشتی دیگر، «مسئله علمی» پرسشی فرض شده است که در ذهن پژوهشگر درباره پدیده، مشکل یا معضل اجتماعی مطرح می شود. هدف محقق از طرح سؤال، ریشه یابی علت یا علل به وجود آمدن آن پدیده، مشکل یا معضل اجتماعی مطرح می شود.

طبق آنچه گفته شد، مسئله علمی، که به صورت پرسش اصلی متجلی می شود، برخاسته از دغدغه، مشکل یا معضلی است که محقق در پی ارائه راه حل برای آن است. مسئله علمی باید به صورت دغدغه ظاهر شده باشد، یا ظاهر شود. این مشکل می تواند به تنهایی دغدغه ای ذهنی برای محقق فرض شود، و یا اینکه معضل جامعه ای است که محقق در آن زیست می کند. البته در آنجا که یک مسئله ذهنی برای محقق تلقی می شود، باز هم می توان گفت این موضوع نمی تواند از مسائل و پدیده های جامعه جدا تلقی شود. در واقع، محقق گمان می کند به دنبال حل دغدغه ذهنی خود است، اما ناخواسته به دنبال حل مسائل پنهان و آشکار جامعه است. به دیگر سخن، جامعه، مسائل خود را بر پژوهشگر تحمیل نموده است، و او خودآگاه یا ناخودآگاه، به دنبال حل آنهاست.

ویژگیهای مسئله علمی

برای روشن شدن مسئله علمی، به برخی ویژگیهای آن نیز اشاره می گردد:

یکم. مسئله علمی باید صریح، روشن و بدون هیچ گونه اجمال و ابهام، و در قالب پرسش اصلی، مطرح شود.
دوم. باید حداقل دو متغیر مستقل و وابسته داشته باشد و رابطه میان این دو یا چند متغیر را بیان کند.
سوم. رابطه مطرح شده بین متغیرها، باید قابل اندازه گیری و بررسی دقیق باشد. به عبارتی، متغیرها کلی نباشند و بتوان آنها را از پدیده های مشابه بازشناخت. [6]
چهارم. مسئله علمی، موضوعی را در برگیرد که ارائه راه حل آن، درصدد پاسخگویی به مشکلات انسان و محیط پیرامون وی باشد.

پنجم. باید موجب نهایت تمرکز در فرآیند تحقیق گردد و محقق را از افتادن در مسائل حاشیه ای و پیرامونی برهاند. به عبارتی، مسئله علمی باید باعث شود که مواد خام جمع آوری شده درباره موضوع، درجای خود گردآوری شوند، و محقق در جریان کار به افقهای گوناگون کشانده نشود، و کنجکاوهای او مسیر استنباط را منحرف ننماید. [7]

ششم. پاسخ مسئله علمی باید از سوی محقق مورد استنتاج و استنباط قرار گیرد، و پژوهشگر مانند پاسخ به پرسش از ماهیت، تنها به توصیف بسنده نکند، بلکه دیدگاه خود را نیز درباره موضوع مورد بحث تبیین نماید. بایسته یادآوری است که مهم ترین نکته در مسئله علمی، وجود دو یا چند متغیر است، که پژوهشگر باید در پی بررسی رابطه و آزمون این متغیرها باشد، و در پایان تحقیق، روشن نماید که چه نوع رابطه ای میان متغیرها حاکم است. در واقع، محقق با طرح مسئله علمی، که دارای متغیر است، به ارائه فرضیه می پردازد، و در طول تحقیق نیز در پی بررسی و آزمون فرضیه است، و در نهایت، رابطه بین متغیرها را بیان خواهد کرد.

نقش پرسشهای فرعی

ممکن است پژوهشگر برای آسان شدن تحقیق و وضوح بیشتر، به تجزیه مسئله و پرسش اصلی خود مبادرت ورزد و آن را به پرسشهای فرعی تفکیک نماید. بنا بر این، محقق با توجه به متغیرهای موجود در پرسش اصلی خود، به ارائه پرسشهای فرعی می پردازد و برای رسیدن به پاسخ پرسش اصلی به آنها پاسخ می دهد. پرسشهای فرعی باید جامع و مانع پرسش اصلی و متغیرها باشند؛ یعنی مجموع سؤالات فرعی، نباید کوچک تر و بزرگ تر از سؤال اصلی باشند. نکته مهم دیگر اینکه برخی پرسشهای اصلی قابل تفکیک از پرسشهای فرعی نیستند. از این رو، نباید به شیوه تصنعی و ملال آور به طرح سؤالات فرعی پرداخت. [8]

خاتمه

ارائه پرسش اصلی، میسر نیست مگر اینکه پژوهشگر درباره موضوع مورد پژوهش اطلاعاتی هر چند کلی و ناقص داشته باشد. بنا بر این، داشتن اطلاعات اندک نیز می تواند به پژوهشگر در پرسشگری دقیق و حساب شده یاری رساند و مسئله علمی محقق را روشن کند؛ زیرا آغاز تحقیق با جست و جو برای یک سؤال دقیق شروع می شود، و این سؤال اصلی است که راهنمای محقق در طول تحقیق است. این امر، به محقق کمک می کند که بداند چه کار می خواهد بکند و چه کاری باید، یا نباید، انجام دهد.

- 1- حمید عنایت. سیری در اندیشه سیاسی عرب. تهران: امیر کبیر، 1376.
- 2- این برداشت از مسئله یا پرابلم را دکتر فیرحی در جلسات روش شناسی پژوهشکده اندیشه سیاسی در 27 آذر 1380 ارائه کرده است. برای مطالعه منبعی دیگر در این باره، بنگرید به: حسین بشیریه. تاریخ اندیشه های سیاسی قرن بیستم: اندیشه های مارکسیستی. تهران: نشر نی، 1376، ص 295-300.
- 3- شریف لک زایی. «چیستی و چرایی اندیشه نصر حامد ابوزید» (مقاله منتشر نشده). 1381.
- 4- کیومرث اشتریان. «راهنمای عملی طرح سؤال پژوهش» (جزوه درس روش تحقیق). مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع)، 1379.
- 5- عبدالکریم سروش. درسهایی در فلسفه علم الاجتماع: روش تفسیر در علوم اجتماعی. چاپ دوم، تهران: نشر نی، 1376، ص 254.
- 6- ساده، مهدی. روشهای تحقیق، تأکید بر جنبه های کاربردی. چاپ نخست، تهران: مؤلف، 1375، ص 29.
- 7- ر. ک: محمودسریع القلم. روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل. چاپ نخست، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، 1380؛ کیومرث اشتریان. «راهنمای عملی طرح سؤال پژوهش». پیشین.
- 8- ر. ک: کیومرث اشتریان. همان.